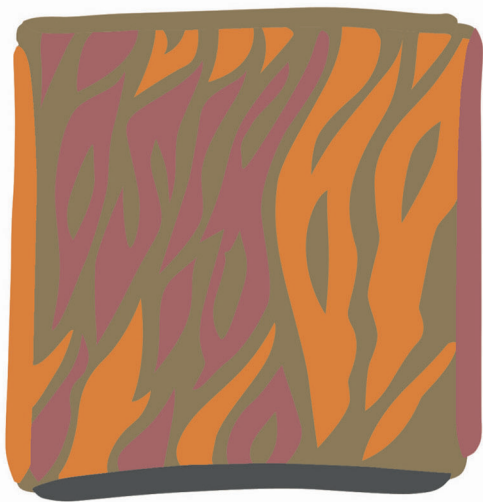


اوله
اکهن



الگوی خدا برای احیا

فهرست

- ۴ .۱ کلیسا - اساسی برای بیداری
- ۱۱ .۲ وفاداری و ترس نسبت به خداوند
- ۱۸ .۳ عهد - کلید قوت
- ۲۴ .۴ وظیفه شبان در بیداری

کلیسا - اساسی برای بیداری

عصر تازه در تاریخ مسیحیت یعنی عصری که ما آن را دوره ی فینیقی می‌نامیم، از باب دوم کتاب اعمال شروع می‌شود. در آن جا شرح داده شده است که چگونه در روز پنطیکاست روح‌القدس بر کلیسا نازل شد. چگونه پطرس برای یهودیان موعظه کرد و چگونه کلیسای اولیه رشد نمود.

وقتی سؤال می‌شد که علائم جاری شدن روح بر کلیسا چیست، اغلب جواب تعمید روح و عطیه زبان ها بود. اما این تمام حقیقت نیست. واقعیت این است که عطیه ی زبان ها علامت ظاهری تعمید روح است. به هر صورت اگر کسانی که تولد دوباره دارند در روح تعمید یافته و به زبان ها صحبت کنند، الزاماً نشان دهنده این نیست که آن ها بخشی از کار روح‌القدس هستند. در عوض علامت حقیقی جاری شدن روح در اعمال ۲: ۴۱-۴۷ توضیح داده شده است:

”پس پیام او را پذیرفتند و تعمید گرفتند. در همان روز حدود سه هزار تن بدیشان پیوستند. آنان خود را وقف تعلیم یافتن از رسولان و رفاقت و پاره کردن نان و دعا کردند. اما بهت

و حیرت بر همه مستولی شده بود، و عجایب و آیات بسیار به دست رسولان به ظهور می‌رسید. مؤمنان همه با هم به سر می‌بردند و در همه چیز شریک بودند. املاک و اموال خود را می‌فروختند و بهای آن را بر حسب نیاز هر کس بین همه تقسیم می‌کردند. ایشان، هر روز، یکدل در معبد گرد می‌آمدند و در خانه‌های خود نیز نان را پاره می‌کردند و با خوشی و صفای دل با هم خوراک می‌خوردند و خدا را حمد می‌گفتند. تمامی خلق ایشان را عزیز می‌داشتند، و خداوند هر روزه نجات یافتگان را به جمعشان می‌افزود.

آن چه در این جا می‌خوانید مربوط به یک کلیسای معمولی است، نه کلیسای نادر و غیر عادی که زمانی وجود داشته و در حال حاضر چیزی بیش از یک تصور واهی نیست. خیر، خدا خواهان چنین کلیساهایی است و آن چه را که خدا بخواهد بطور حتم به دست می‌آورد.

دوره‌ای که ما اکنون در آن زندگی می‌کنیم، دوره ی کلیسا نام دارد و آن چه که خدا هم‌اکنون می‌خواهد، کلیساهای جدید است. در عهد عتیق قوم اسرائیل به اسباط، خاندان و خانواده‌ها تقسیم شده بودند. امروزه ما نیز در عوض به کلیساهای محلی تقسیم می‌شویم و روح‌القدس درست در همان جایی که ما باید

باشیم، بر ما قرار گرفته است.

جرات خود را از دست ندهید

روزی خدا تصویری پیش روی من قرار داد. او موشک بزرگی را به من نشان داد که در حال بلند شدن از روی زمین بود. عده ی کثیری از مردم شمارش معکوس هیجان انگیز را تماشا می کردند. موشک به طور مستقیم بالا رفت و در آسمان ناپدید شد و تمام مردم به خانه های خود رفتند و دیگر در مورد آن فکر نکردند. آن ها فقط منتظر پرتاب بعدی بودند.

بعضی اوقات زندگی روحانی این گونه می شود. خدا به واسطه ی فیض خود تجربیات «پرتاب» قدرتمندی را به شما می دهد. این تجربیات می توانند به قدری قدرتمند باشند که توجه عده کثیری از مردم را به خود جلب نمایند. این اتفاق زمانی می افتد که روح القدس شما را در مسیر زندگیتان مشایعت نموده و وارد خدمت می شوید.

اگر چه از آن زمان به بعد عملکرد شما مانند یک ماهواره تنها خواهد بود، درست به همان شکل که ماهواره های پرتاب شده بدون هیچ تجربه ی هیجان انگیز بعدی فقط در فضا حرکت می کند. هیچ کس دیگر راجع به این ماهواره ها فکر نمی کند یا

برایشان کارت تبریک نمی‌فرستد. همه فقط به این موضوع توجه می‌کنند که آن‌ها کار کنند.

با این مثال می‌خواهم این را بگویم که زمانی برای تجربیات قدرتمند وجود دارد اما زمانی هم برای فقط وفادارانه کار کردن، وسیله بودن و برکت دادن است. نکته‌ی مهم این است که تجربیات قبلی شما احیای مداومی است برای این که اراده‌ی خدا بتواند در زندگی شما انجام شود.

اعمال ۲ توصیف می‌کند که خدا چگونه کلیسا را پرتاب کرد. روز اول ۳۰۰۰ نفر به کلیسا پیوستند. ایمانداران و شبانان زیادی با خواندن این آیات دلسرد می‌شوند چون تا به حال ندیده‌اند که ۳۰۰۰ نفر در روز اول نجات بیابند. این فکر به آسانی به ذهن ما خطور می‌کند: "ما نمی‌توانیم یک کلیسای عهد جدیدی باشیم چون شرایط ما با آنچه که آنها در روز پنتیکاست داشتند خیلی متفاوت است." اما چنین تفکراتی، دروغ‌هایی از جانب ابلیس است.

کلیسای شما نباید درست شبیه کلیسای اعمال ۲ باشد. آن کلیسا، وسیله‌ی پرتاب بود. پس از آن کلیسای جهانی به مدار فرستاده شد و در مسیر خود قرار گرفت. شما نیز بخشی از آن گشتید و جای خود را پیدا کردید. کاملاً محتمل است که شما

حتی پرتنتر از کلیسای اولیه بشوید حتی اگر توده‌های مردم در روز اول نجات نیابند. بنابراین جرأت خود را از دست ندهید.

حصاد باید در انبارها جمع آوری شود

یکی از شرایط لازم برای جمع آوری محصول در یک حصاد بزرگ این است که از دروگران مناسب استفاده شود. چنین دروگری مبشر نام دارد. او با روح‌القدس مسح گشته و خدا با اوست. و فضای احیا او را در بر می‌گیرد.

مبشر اغلب چند کلیسا را برای فعالیت با هم جمع می‌کند تا آن‌ها بتوانند نجات یافتگان را بین خود تقسیم نمایند. اگر چه ممکن است این کلیساها با هم اختلاف داشته باشند، اما قبل از شروع فعالیت به هم وعده‌ی همکاری می‌دهند، چون می‌دانند که در انبارهایشان اندکی محصول جمع خواهند کرد. اما حاصل این است که پس از فعالیت، مبشر بافه‌ها را به میزان کم یا زیاد بین انبارهای ناچیز و بی‌مقدار پخش می‌کند.

پس چگونه می‌توان از حصاد محافظت کرد؟ مبشر اغلب ایمان دارد که کلیساهایی که کار تکمیلی را انجام می‌دهند ضمانت اجرایی دارند، در حالی که به ندرت کلیساها این وضعیت را دارند. در عوض زمانی که مبشر آن محل را ترک

می‌کند بیداری نیز با او می‌رود. توجه می‌کنید که هیچ بیداری قبل از فعالیت وجود نداشت چون تمام کلیساها با هم در حال جنگ بودند. در نتیجه جلال با مبشر محو می‌شود و عاقبت بافه‌ها پژمرده شده و می‌میرند و قلب خدا مملو از اندوه می‌گردد.

بنابراین گرچه خیلی عالی است وقتی یک دروگر تعداد کثیری مسیحیان تازه را برداشت می‌کند، اما نباید فراموش کنیم که حصاد باید در انبارها آورده شود. ما مسئولیت داریم که خود را برای عملکرد انبار گونه یعنی جایی که حصاد را بتوان نگاهداری کرد، آماده نماییم.

الگویی برای ثمر بادوام

من مطمئن هستم که خدا در فرآیند بخشش ما الگویی عالی برای کار حصاد در نظر دارد، تا بتوانیم به نحوی موثر برای او زحمت بکشیم. هر خدمتی نیازمند اتصال به یک کلیسای قوی است و همچنین هر ایمان داری احتیاج دارد به کلیسایی متصل شود که از او قوی‌تر است. نقشه‌ی خدا از گذشته این بوده که مبشران، انبیا و رسولان از مبدأ خود در کلیسای اورشلیم به شهرها و روستاها سفر نمایند. برای نمونه می‌بینیم فیلیپس در

شهری واقع در سامره موعظه کرد و کل آن شهر نجات یافت. سپس آن را برای رسولان فرستاد. این نمونه‌ایست که می‌توان چیزهای زیادی از آن آموخت.

خدا یک گروه مبشر را به شهری می‌فرستد و ناگهان کلیسایی تازه در آن جا می‌روید. اگر آن کلیسا شامل پانزده نفر انسان در حال جنگ نباشد، بلکه دارای رهبری باشد که متحمل مسئولیتی اساسی است. پس ثمر باقی می‌ماند و کلیسای تازه رشد می‌کند.

وفاداری و ترس نسبت به خداوند

وقتی پطرس در روز پنطیکاست برای یهودیان موعظه کرد او فقط واعظ خوبی نبود، بلکه دارای مسح و قدرت روح القدس بود. این همان قدرتی ست که خدا می خواهد کلیسا آن را داشته باشد. اما هیچ کلیسایی قوی تر از این نیست که اعضایی که توبه کرده اند، دارای کیفیت بالایی باشند.

” پس قوم اسرائیل، جملگی به یقین بدانند که خدا عیسی را که شما بر صلیب کشیدید، خداوند و مسیح ساخته است. چون این را شنیدند، دلریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: ای برادران چه کنیم؟ پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمیم گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا این وعده برای شما و فرزندانان و همه کسانی است که دورند، یعنی هر که خود را از این نسل منحرف برهانید.“ (اعمال ۲: ۳۶-۴۰)

” ۳۰۰۰ نفری که موعظه پطرس را درباره ماشیح شنیده بودند، دلریش گشتند. در نتیجه توصیه پطرس را با قلبی فروتن

پذیرفتند، تعמיד گرفتند و خود را وقف کلیسا و مشارکت نمودند.
(اعمال ۲: ۴۲)

توبه ی حقیقی - اساس رشد کلیسا

چند سال پیش در جلسه‌ای، شخصی نزد من آمده و پرسید: چه کار کنم تا نجات یابم؟ من تاکنون ادعا نکرده‌ام تا چنین سوالات عالی از من پرسیده شود اما در روح انتظار آن‌ها را داشتم. ما نیاز داریم تا با این گونه اشخاص که حقیقتاً می‌خواهند توبه کنند، مواجه شویم. وقتی چنین اشخاصی وارد کلیسا می‌گردند می‌دانند که وارد پادشاهی خدا شده‌اند و هرگز به دنیا بر نمی‌گردند. آن‌ها تنها برای این به کلیسا نمی‌آیند که فرصتی برای امتحان کردن آن به خودشان بدهند.

کتاب مقدس نمی‌گوید که چند نفر در روز پنطیکاست موعظه پطرس را شنیدند. شاید ۱۰۰۰۰ نفر بودند. فقط ما این را به یقین می‌دانیم که ۳۰۰۰ نفر پیغام او را پذیرفتند. از کجا می‌دانیم توبه ی این ۳۰۰۰ نفر حقیقی بود؟ ما می‌دانیم که توبه ی آن‌ها حقیقی بود، نه به خاطر این که به سخنان پطرس گوش دادند، بلکه چون در کلیسا باقی ماندند. آن‌ها این کار را با تمام دل انجام دادند و وفاداریشان در این مورد حتمی بود.

ما می‌دانیم تمام کسانی که دست خود را در جلسات بلند می‌کنند تا عیسا را دریافت نمایند، نجات نخواهند یافت. علاوه بر این تمام کسانی هم که نجات می‌یابند به کلیسای محلی نمی‌پیوندند. اما عده‌ای هم به کلیسای محلی می‌پیوندند و از این رو می‌دانیم که آن‌ها توبه نموده‌اند. ما درباره‌ی دیگران چیزی نمی‌دانیم، فقط می‌توانیم ایمان داشته و امیدوار باشیم که خدا آن‌ها را حفظ نموده و به کلیساهای قوی و زنده هدایت می‌کند.

کلیسا در تناسب با تعداد افرادی که به لحاظ کیفی تبدیل یافته‌اند و چگونگی مطیع بودن اعضا نسبت به رهبری، دید و اوامر آن کلیسا رشد می‌نماید و در رأس مطابق با تعداد اعضایی که با کلیسا در ارتباطند رشد می‌کند.

به مشارکت بچسبید

اراده‌ی خدا این است که اعضای کلیسا حقیقتاً تبدیل یافته و به مشارکت در کلیسا تمسک جویند. ما دقیقاً خلاف این موضوع را در کلیساهای خود واقع در سوئد و بیشتر جاهای دیگر دنیا می‌بینیم. مردم در ایمان خود نسبت به کلیسا راسخ نیستند. آن‌ها در دل بی‌ایمانند.

این واقعیت که شما نجات یافته‌اید، به این معنا نیست که فوری وفادار خواهید شد یا دارای تمام ثمرات روح خواهید گشت. ممکن است به عوض، ثمرات دیگری در زندگی شما باشد که کتاب مقدس به آن‌ها اعمال جسم می‌گوید.

زمانی که نجات یافتید روح خدا وارد روح شما گشت و شخص دیگری خداوند قلب شما شد. شما استعفا دادید! عیسا خداوند گشت، نه خداوند جسم بلکه خداوند روح شما. کتاب مقدس می‌گوید که روح مشتاق است اما جسم ناتوان.

(متا ۲۶: ۴۱)

جسم شما می‌گوید: من فقط آن کاری را انجام می‌دهم که احساس خوبی نسبت به آن دارم. و هر وقت دوست دارم به کلیسا می‌روم که هر یکشنبه در میان است. در اصل من جلسات را در صبح‌های یکشنبه دوست ندارم.

همچنین جسم می‌گوید: به فکر خود و پیشرفت خود باش. کار و وجهه خودت را حفظ کن و برای خودت کسی شو.

ما با این نحوه ی تفکر بزرگ شده‌ایم. در حال حاضر شش بیلیون نفر بر روی زمین زندگی می‌کنند که تقریباً تمامی آن‌ها حول و حوش ستایش خود گام بر می‌دارند. آن‌ها خداوند زندگی خود هستند و نگرششان این است: آن طور که

می‌خواهم عمل می‌کنم.

کل دنیا بی‌ایمان است و جوی که ما در آن رشد می‌کنیم معیارش بی‌ایمانی است. احساسات ما تعیین می‌کنند که حقیقت و راستی چیست. تمامی گناهان تقریباً مثبت به حساب می‌آیند، از این رو گناهان انگشت‌شماری بد محسوب می‌شوند. اگر راه دیگری وجود داشت، هیچ کس گناه را انتخاب نمی‌کرد.

دو جریان

در دنیا دو جریان مختلف وجود دارد، یکی از آن‌ها نوعی جریان سوسیالیستی است که اشتراک در آن نقش مهمی دارد. فردیت در آن جایی ندارد و فقط باید بر یک موضوع متمرکز شد که کار است.

نگرش جریان دیگر این است که فرد مهم است، اما این دید نیز بیش از حد فردگرایانه است. وقتی چنین تفکری در کلیسا رسوخ می‌کند، مشکلات آغاز می‌شود. اشخاص شروع به خواستن خدمت خود، بولتن خبری خود، کاستها و گردهمای‌های خود می‌کنند. هر دو جریان به یک اندازه اشتباه است.

وقتی به کلیسای موجود در کتاب اعمال نگاه می‌کنید،

متوجه می‌گردید که هم اشتراکی و هم فردگرایانه بود. کلیسا از فرد فرد ایمانداران مراقبت می‌کرد و کمک می‌کرد تا رشد نمایند و آن چه را که خدا برای زندگی هر یک از آن‌ها برنامه‌ریزی کرده بود انجام دهند. همچنین توجه کنید که چگونه اعمال ۲: ۴-۴۶ به جمع موجود رسیدگی می‌کند. کلیسای اولیه حقیقتاً منحصر به فرد بود.

خدا می‌خواهد مردم ترس او را داشته باشند

"و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می‌نمودند. و همه خلق ترسیدند...." (اعمال ۲: ۴۲-۴۳، ترجمه ی قدیمی)

اگر ترس خدا در هر مسیحی نباشد، هیچ احیایی وجود نخواهد داشت. دلیل آن چیست؟ چون شما نمی‌توانید زندگی مخصوص به خود و همچنین گناهان مخفی در کلیسا داشته باشید. شما نمی‌توانید برای خود گروه کوچکی در آن جا شکل دهید. مواردی شبیه به این زیر نور آورده می‌شوند. خدا طالب کلیساهایی است که اعضای آن‌ها ترس خداوند را داشته باشند.

اگر عطای نبوت، تعلیم یا بشارت را دارید، توجه کنید همان

اندازه که خدا شما را دوست دارد، به همان اندازه نمی تواند کل کلیسا را مطابق دلخواه و نظرات شما هدایت کند. کلیسا شامل مواردی بیش از پرستش، اخراج ارواح، شفا و مشاوره است. خدا شبان را دعوت نکرده تا در دادگاهی که پیرامون خدمت کوچک و مخصوص او تشکیل می شود دفاع نماید.

کلیسا را در حول و حوش این مسائل به تنهایی بنا نکنید. به عبارت دیگر از این نوع نگاه تک بعدی مشکلات آغاز خواهد گشت. کلیسا باید تنها از جانب شبان میدان وسیعی نسبت به خدمت و مکاشفه داشته باشد.

تعهد - کلید قوت

روش کار کلیسای محلی باید بیشتر و بیشتر بر ما آشکار شود. هر خدمت قوی جایگاه خود را در کلیسای محلی خواهد یافت و هر شخصی تحت نفوذ کلیسای محلی قرار خواهد گرفت. علاوه بر این کلیسا با انرژی، ابتکارات مهم و رؤیاهایی که تحقق می‌یابد، می‌جوشد.

پولس رسول در یک کلیسا استوار گشت. او یکی از اعضای انطاکیه بود تا آن جا که می‌توانست سفر می‌کرد، چرا که کلیساهای تازه فریاد برمی‌آوردند تا او نزد آنها برود.

پولس در خدمت رسالاتش این امتیاز را داشت تا برای سفرهای بشارتی اش کارکنانی از کلیساهای متعدد داشته باشد. پس از مدتی دوباره ایشان را به کلیساهایی که خود تأسیس کرده بود، می‌فرستاد. او اغلب در زندان بود و از این رو نمی‌توانست همیشه به انطاکیه بازگردد، اما هر وقت امکان داشت به کلیسای خانگی خود مراجعت می‌کرد.

خدا می‌خواهد تمامی خادمان در کلیسا استوار شوند. اما در مقابل نباید آن‌ها را به زور با کلیسا سازگار و همچنین محدود

و مهار کرد. در عوض باید جایگاه خوبی برای آن ها تدارک دید تا بتوانند پرتاب شوند. کلیسای محلی سکویی است که متعلق به خادمین نیست، بلکه متعلق به خداست و توسط روح القدس ساخته شده است.

رؤیای خدا کلیسا را دور هم نگه می‌دارد

اراده ی خدا این است که معجزات، آیات و عجایب در کلیسا به وقوع بپیوندد.

"اما بهت و حیرت بر همه مستولی شده بود، و عجایب و آیات بسیار به دست رسولان به ظهور می‌رسید. مومنان همه با هم به سر می‌بردند...." (اعمال ۲: ۴۳-۴۴)

این کلیدی است برای این که ایمانداران بتوانند اتحادی مستحکم ایجاد کنند. شبان می‌تواند افراد را هدایت نموده و تعلیم دهد، اما به نیرویی ماندگار درون تمام اعضا نیاز است تا رویا و مسح خدا برای یک هدف باعث شود که آن ها به یکدیگر بپیوندند.

"ایشان هر روز، یکدل در معبد گرد می‌آمدند و در خانه‌های خود نیز نان را پاره می‌کردند و با خوشی و صفای دل با هم خوراک می‌خوردند و خدا را حمد می‌گفتند..." (اعمال ۲: ۴۶-۴۷)

از این آیه ی کتاب مقدس متوجه می‌گردیم که اعضای کلیسا هر روز هفته دور هم جمع می‌شدند. شما شاید در مواقعی شنیده باشید که کسی در کلیسا می‌گوید: خیلی سخت است که کسی تمام جلسات کلیسا را بیابد. به همین دلیل من فقط در جلساتی که دوست دارم حاضر می‌شوم، هر چه را که دوست داشته باشم می‌بخشم و برای هر چه که دوست داشته باشم دعا می‌کنم. اما صبح‌های یکشنبه زمان رسیدن من مشخص نیست. البته باید در این رابطه خوشحال هم باشید. این زندگی جسمانی و آزادانه شماست که می‌خواهد حکمرانی و سلطنت کند.

خدا چیزی کاملاً متفاوت می‌خواهد و ما خواهیم دید که چگونه شرایط بیرونی اعضای کلیسا را حتا به همدیگر نزدیک تر خواهد کرد. مردم به اندازه‌ای برای وجود یک کلیسای محلی قوی خوشحال می‌گردند که بعضی از آن‌ها نزدیک است دم در ورودی چادر بزنند، آن‌ها فکر می‌کنند که بسیار عالی است که بخشی از آن کاری که خدا انجام می‌دهد، باشند.

زمانی فرا می‌رسد که ما دیگر به کلیسا نمی‌رویم، درست همان طور که به سینما نمی‌رویم. بعضی جلسات ساده هستند. اگر در جلسات آیات و عجایب وجود داشته باشد جماعت

تشویق می‌کنند، اما در صورتی که مسح واعظ به حد کافی قوی نباشد، گوجه به طرف او پرتاب می‌شود. سپس در پایان مردم به خانه‌های خود رفته و در مورد جلسه بحث می‌کنند. اما ما دعوت نشده‌ایم به سینما برویم یا راجع به جلسات بحث نماییم، بلکه دعوت شده‌ایم تا به طور مداوم خدا را پرستش نماییم.

"ایشان هر روز، یکدل در معبد گرد می‌آمدند و در خانه‌های خود نیز نان را پاره می‌کردند و با خوشی و صفای دل با هم خوراک می‌خورند، و خدا را حمد می‌گفتند... (اعمال ۲: ۴۶-۴۷)

اگر نسبت به رویاها و آن چه خدا انجام می‌دهد در این سطح در کلیسای شما تعهد وجود دارد، شما شاهد کلیسایی خواهید بود که رشد کرده و قوی می‌شود.

خدا به آن چه امر می‌کند بها می‌دهد

اعمال ۲: ۴۴-۴۵ به ما می‌گوید که کلیسای اولیه در همه چیز مشترک بودند. آن‌ها وسایل و دارایی خود را فروخته و هر چه داشتند طبق نیاز هر یک با هم تقسیم می‌کردند. جایز نیست از این آیات سرسری بگذرید. این اتفاق در زمان

اعمال رسولان افتاد، اما برای زمان ما نیز اعتبار دارد. هدف این آیات این است که تأثیر عمیقی بر زندگی شخصی شما بگذارد. شاید پرسید: آیا من باید تمام دارایی خود را بفروشم؟ خیر، اما باید همه چیز را با کلیسا سهیم بسازید. کتاب مقدس نمی‌گوید که ما باید هر چه داریم دور بیندازیم یا آن را به عیسا بدهیم، بلکه باید بگذاریم او اموال ما را تقسیم نماید.

من اطمینان دارم که منظور از کلیسای محلی این است که باید تمام مشکلات مالی‌اش را خودش حل کند. اگر کلیسایی دعوت محلی دارد، خدا به آن بودجه‌ی محلی می‌دهد و اگر دعوت بین‌المللی دارد، خدا به آن بودجه‌ی بین‌المللی می‌دهد. اگر پول در کلیسای شما به حد کافی جریان ندارد، می‌توانید از خود سوال کنید که آیا رویاهای بزرگ واقعاً از آسمان می‌آیند یا زمان مناسب برای تحقق آن‌ها اکنون است. خدا برای رویاهایی که می‌دهد پول می‌پردازد، اما شما نیز باید برای رویاهای خودتان پول بدهید.

خدا در هر خدمت، تشریفات، دعوت یا پایداری کلیسایی می‌خواهد که احتیاجات مالی بر طرف شود. یعنی شاید لازم باشد کسی کیف پولش را خالی کند یا ویلای تابستانی‌اش را بفروشد. اگر دوست دارید دیگران این کار را انجام دهند، شما

نیز باید شروع به فروش اموال درجه یک زندگی خود بنمایید.
این یکی از جنبه‌هایی است که کمی باعث فراوانی در کلیسا
می‌شود. اما اگر قصد داریم برای احیا بها پردازیم، به نحوه ی
زندگی درست ما مربوط می‌شود.

وظیفه شبان در احیا

مدتی پیش خدا به کلیسای ما گفت که ما نیزار نیستیم، بلکه زمین شخم زده می باشیم. یک زمین شخم زده بندکشی می شود و اشخاص زیادی خود را به خاطر آن تحت فشار قرار می دهند. اما یک زمین شخم زده وسیع نیز وجود دارد که برای موارد مختلفی اتاق در اختیار کلیسا قرار می دهد. در آن جا اتاق برای رهایی، پرستش با صدای بلند، شفاعت و شفا، و کلام خدا که با هر گونه بی ایمانی مقاومت می کند.

مهم نیست که برای یک خدمت یا مکاشفه ی خاص آماده شویم چرا که فقط در وفاداری ما، نتیجه خواهد داد. هیچ مکاشفه ای از جانب خدا به معنای آماده شدن ما نیست. در عوض مکاشفه باید توسط تعلیم رسولان به کلیسا آورده شود. سپس به صورت مکاشفه ای درست، آشکار و طبیعی خواهد بود که برای همه می تواند قابل قبول باشد. زمانی که در کلیسا واریسی و ریشه یابی شود، مشخص می گردد که باعث برکت هزاران نفر گشته است. اما وقتی احساس می کنید که مکاشفه ی خاصی مواردی را در بردارد که از خدا نیست

می‌توانید از دادن برکت خود خودداری نمایید.

شبان باید همه ی افراد را بپذیرد

شبان باید دید فراگیر و وسیع داشته باشد، نه دید بسته و انحصاری. برای مثال کلیسایی با ۴۰۰۰ عضو همیشه شامل تنوع افراد با سطوح و سلیقه های متفاوت خواهد بود. بعضی از نظر روحانی بالغ، قوی، فروتن و متوجه ی هدف خود هستند و سایرین از نظر روحانی مغرور یا سست هستند.

اگر شبان خواستار کلیسای کوچکی باشد آن را به دست خواهد آورد. یعنی کلیسای کوچکی خواهد داشت با افراد ممتاز و منحصر به فرد محدود، آن موقع اعضا دقیقاً همانند شبان خواهند بود و همان شیوه ی عملکرد او را خواهند داشت. و نتیجه اش این است که کلیسا شامل بیست نفر خواهد بود که تصور می‌کنند در مورد همه چیز مکاشفه کامل دارند.

با این وجود اگر شبان خواستار کلیسای بزرگی باشد، همان طور که خدا می‌خواهد، باید قلب بزرگی داشته باشد و انواع مختلف افراد را در سطوح مختلف پذیرا باشد. من به طور اتفاقی، هم با برادران سست و کم‌کار که همیشه باید آنها را به جلو هل داد و همچنین برادران زیرکی که هر چیزی را می‌دانند

و همیشه آن چه را که نباید انجام می‌دادم به من نشان می‌دهند، برخورد داشته‌ام.

بیاید به یک نبی بگوییم که به کلیسای شما آمده و جستجو نماید که علاوه بر گروه کوچکی که شبیه هم فکر می‌کنند چه چیزی در آن جا جریان دارد که از خدا نیست. آن‌ها باید وقت بدهند تا از آسمان بشنوند. بنابراین اشکال فوق از این مسئله ناشی می‌شود که شبان آن‌ها نسبت به ایشان خشمگین نمی‌شود، حتی اگر جسمانی و نافرمان باشند. اگر شما شبان چنین گروهی باشید، باید با آن‌ها در این باره صحبت نمایید.

ما در کلیسای خود خانمی داشتیم که در مورد مسئله خاصی خیلی عصبانی می‌شد. من با او شبیه خودش برخورد نکردم. فقط از او سوال کردم که آیا می‌توانیم نشست و راجع به ناآرامی او صحبت کنیم. به زودی معلوم شد که مشکل جدی وجود نداشته است. وقتی او ناآرامی‌هایش را از سینه‌اش دور ریخت و جواب سؤالاتش را یافت، کاملاً رضایت خاطر یافت. او قبلاً زنبور عصبانی بود که تبدیل به یک پروانه شد و امروز خوشحال و خرسند است.

شبان باید به جلو پیش رود

شبان همیشه باید در سطح بالاتری نسبت سایر اعضای به کلیسایش باشد؛ به این معنا که آن ها گاهی در رابطه با بعضی کارهای او شگفت زده شوند. اما او نباید به قدری جلو باشد که گویی آن سوی افق است. در عوض او باید همراه اعضایش قدم بردارد تا با کمک روح القدس و کار مداوم، اعضا به سطح روحانی بالاتری کشیده شوند.

پطرس یکی از شبانان کلیسای اولیه بود. او به عنوان شبان انتخاب شده بود اما در جای بلندی نمی‌نشست تا توسط سایر اعضای کلیسایش پرستش شود. خیر ما می‌خوانیم که او در میان اعضای کلیسایش رفت و آمد می‌کرد، با آن ها صحبت می‌کرد و مشارکت داشت. او به موقعیت خود واقف بود و از آن بالاتر یا پایین‌تر نمی‌رفت. او توسط عقاید اشتراکی سوسیالیسم یا بزرگان بدعنی که او را تحت کنترل داشتند، تباه نمی‌شد. او همچنین ستاره‌ی سینمایی نبود که دارای لبخند مصنوعی و گناهان مخفی باشد. پطرس شبانی بود که در میان اعضای کلیسایش قرار داشت.

وظایف شبان

شبان چه کارهایی باید انجام دهد؟ او باید گوسفندان را تشویق کند؛ آن‌ها را هدایت کند و تغذیه نماید؛ از آن‌ها محافظت نموده و آنان را به کار گیرد.

۱- تشویق

در کتاب مقدس می‌بینیم که پولس اغلب اشخاص را تشویق می‌کند. این همان مسئله‌ای است که اکثر کلیساهای تازه ایمان جرأت انجام آن را نداشته‌اند. با این همه تمام رسالات پولس به تعلیم و تشویق تقسیم می‌شوند و مهم است که این نکته را در خاطر خود نگاه داریم.

طبق کلام خدا شبان باید تعلیم دهد، تشویق کند و با ملاحظه تنبیه نماید. شاید چنین تصور کنید: خوب اگر من چنین کاری انجام دهم، مردم با من مخالف می‌شوند. خیر، مردم با شما همراه خواهند شد. تشویق نمودن کار را دشوار نمی‌سازد؛ بلکه برعکس اگر هیچ چیز نگوئید، مشکلات در کلیسا ریشه‌ای می‌شود و مانند بمب‌هایی خواهند شد که هر وقت که ابلیس بخواهد، آن‌ها را منفجر کرده و تمام کلیسا را از بین می‌برد. به این دلیل شبان باید اشخاص را در روح تشویق و بلند نماید.

۲- هدایت

اگر شبان گوسفندان را هدایت می‌کند، باید بداند کجا می‌رود. او باید رویا داشته باشد، برای این که باید آن را به اشخاص منتقل نماید.

۳- تغذیه

شبان باید دارای غذایی باشد که آن را به گوسفندان بدهد. به این دلیل او باید از خدا تغذیه شود، تا بتواند آن را به دیگران بدهد.

۴- محافظت

شبان باید متوجه خطراتی که گله را احاطه کرده بشود. زیرا گوسفندان خطراتی را که شبان می‌بیند، نمی‌توانند ببینند. وقتی او آمده و می‌گوید که خطر در راه است، عده‌ای به دلیل نافرمانی مخالفت خواهند کرد. آن‌ها فکر می‌کنند که شبان منفی، سختگیر، بی‌احساس و منتقد به نظر می‌رسد. اما این طریق ابلیس است که شبان احساس حقارت نماید و دهان خود را ببندد تا ابلیس بتواند بدون مزاحمت گوسفندان را از او بدزد.

۵- بکارگیری

درست همانند موسا، یک شبان باید راه را به مردم نشان

دهد و آن‌ها را به کار گیرد. اگر شبان بتواند کلیسایش را با شادی مشغول کار نماید، کلیسای عالی و در حال رشد خواهد داشت. به عبارت دیگر اگر مردم از کلیسا ناپدید می‌شوند، ممکن است سه دلیل وجود داشته باشد:

۱- گناه

۲- تعلیم غلط

۳- شبانی که دعوت شبانی ندارد.

به روح‌القدس گوش دهید

ما در دوره ی روح‌القدس زندگی می‌کنیم یعنی باید به آن چه او می‌گوید گوش دهیم. شبانان، واعظین و سایر ایمانداران باید حتا بیش از گذشته این کار را انجام دهند، چرا که اگر آن چه را که روح‌القدس از ما می‌خواهد انجام دهیم، نشنویم و اطاعت نکنیم به راستی بهای سنگینی را خواهیم پرداخت.

زمانی خواهد رسید که در روح خود و در آن چه خدا به ما بخشیده بسیار مطمئن خواهیم بود که هیچ چیز نمی‌تواند ما را جنبش دهد یا دلسرد نماید. ما در رابطه ی خود با یکدیگر و همچنین در ارتباط با آن چه خداوند از ما دعوت نموده انجام دهیم، مطمئن و ایمن خواهیم بود. من و شما خدا نیستیم، از

این رو همه چیز را در مورد همه کس نمی‌دانیم، اما لازم نیست از هیچ چیز بترسیم. اگر ترسی که شما نسبت به کسی دارید از خداست، پس نشانه‌ی این است که شما در مقابل خدا مقاومت می‌کنید و اگر ترس از جانب خدا نیست، برطرف خواهد شد. از این رو هیچ دلیلی برای ترس وجود ندارد.

اتحاد کار روح‌القدس

ما در زمان خود شاهد اتحاد قوی درون بدن مسیح خواهیم بود. این اتحاد از روح‌القدس نشأت می‌گیرد و او به این دلیل جلال خواهد یافت نه هیچ کس دیگر. در بدن مسیح کسانی هستند که وظیفه‌ی اتحاد کلیسا را به گردن گرفته‌اند. اما روح‌القدس تنها کسی است که آن را به وجود می‌آورد، نه انسان‌ها. وقتی او این عمل را انجام می‌دهد، شاید برای مدت کوتاهی مسائل کمی آشفته به نظر برسند، اما در نهایت همه چیز سر جای خود قرار خواهد گرفت. این کاری از جانب روح‌القدس است و زمانی که چشمان خود را بر می‌افزاید، می‌توانید از آن لذت ببرید.

زمانی خواهد رسید که روح‌القدس کارش را در هر یک از ما به انجام می‌رساند و ما به قدری نسبت به هم آرام و مطمئن

خواهیم بود که جرأت می‌کنیم وکلای مدافع خود را فراموش
کنیم. ما قادر می‌شویم از خود ببخشیم و به فراسوی قرابت
بی‌واسطه‌ی خود برسیم و جایگاه خود را در کلیسا بیابیم.
وقتی این اتفاق می‌افتد، احیا در ملت ما صورت خواهد گرفت